

ارکان نرم‌افزاری هندسهٔ نظم جهان در عصر مهدویت مبتنی بر بیانات امامین انقلاب اسلامی*

محمد شمس‌الدینی^۱
محمدرضا عرب بافرانی^۲

چکیده

جهان در لحظهٔ تحول نظم بین‌المللی قرار گرفته است. تقریباً همهٔ اندیشمندان و متفکران جهانی، به این لحظه و به این تحول، معترفند. یکی از بازیگران مؤثر امروز در مقیاس نظم جهانی، جبههٔ اسلام و به طور خاص، محور مقاومت است. افق محور مقاومت، تمدن نوین اسلامی است که اگر نقش‌آفرینی مؤثر محور مقاومت و جبههٔ اسلام را شاهد باشیم، می‌توان این تحول در نظم را پلی قرار داد برای عزیمت به سمت تمدن نوین اسلامی. تمدن نوین اسلامی، پیشگام جهان مهدوی است. روشن است که در عصر مهدوی و در جهان پساظهور، نظم جهانی و هندسهٔ جهان، صورت متعالی و متمایزی خواهد داشت. تبیین این صورت متمایز، تصویر افق و چشم‌انداز مطلوب تمدن نوین و حرکت تاریخی اسلام است. این پژوهش، با بررسی منابع مربوط به نظم جهانی و تصویر عصر مهدوی، به استخراج ارکان محوری نرم‌افزاری هندسهٔ نظم جهانی در عصر مهدوی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که هندسهٔ نظم جهان در عصر مهدوی، دو رک محوری دارد: از یک سو، عدل بنیاد است و منتج به ظهور قسط خواهد شد و از سوی دیگر، حکمت بنیاد است و راه‌حلی الهی برای حل و رفع اختلافات و تعارضات در سطوح مختلف ارائه خواهد داد.

واژگان کلیدی

نظم جهانی، هندسهٔ جهان، عصر مهدوی، عدل بنیاد، حکمت بنیاد.

مقدمه

تحولات و تغییرات، در مقیاس جهانی، قطعاً مقدرات همهٔ جوامع و کشورها و چه بسا مقدرات همهٔ افراد را تحت تأثیر قرار خواهند داد. یکی از عرصه‌های جهانی که با توجه به هم‌سرنوشت‌ترشدن مردم جهان در اثر پیوندهای شبکه‌ای جهان امروز، تغییر و تحول آن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

۱. پژوهشگر دانشکدهٔ حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) و دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها (نویسنده مسئول)
(mohammad.shamsoddini@gmail.com)

۲. استادیار گروه آینده‌پژوهی دانشکدهٔ حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف).

برای و بر همهٔ جوامع، بیشاپیش مهم و اثرگذار است، نظم جهانی است «وضع آرایش سیاسی دنیا در حال یک تغییر اساسی است. یک کار بزرگی دارد در دنیا انجام می‌گیرد».^۱ فرصت تحول و تغییر نظم جهانی و گذر به یک نظام بین‌المللی جدید، فرصت بسیار مهمی است که به ندرت، برای کشورها به دست می‌آید. «دوران فعلی، دوران گذر به یک نظم جدید جهانی است و در کنار بازیگران سنتی، بازیگران جدیدی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، وارد عرصه شده‌اند و در تلاشند جایگاه خود را در نظم جدید پیش رو، تثبیت کنند».^۲ سرعت تحولات، شتابنده و بسیار بالاست و تلاش برای تدقیق تصویر آینده، بسیار اهمیت دارد «هر روز بیشتر روشن می‌شود که هندسهٔ سیاسی عالم و سطح دنیا، در حال تغییر است؛ ... دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد. ممکن است ما نتوانیم دقیقاً حدس بزنیم که این دنیای جدید چه شکلی است، لکن مطمئنیم که به تدریج در طول سال‌ها، دنیای جدیدی دارد تشکیل می‌شود».^۳ زمانهٔ جاری، دورهٔ نطفه‌بندی و مراحل آغازین صورت‌بندی نظم آینده است «نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است. ما طبعاً وظایف مهم‌تری خواهیم داشت. در نظم جدید عالم، جایگاه اسلام، جایگاه جمهوری اسلامی، جایگاه کشور مهم ما، ایران، کجا خواهد بود؟ این را می‌توانیم فکر کنیم، پیش‌بینی کنیم، در راه آن، حرکت کنیم».^۴ الزام حضور پیدا کردن^۵ و ایفای نقش^۶ در نظم جهانی، مستلزم پیش‌اندیشی، پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌طراحی برای آن است.

«امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا... ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری، که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند،

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۱۰/۷.

۲. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۵/۲۲.

۳. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۷/۲۲.

۴. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳.

۵. همه‌ی کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند، حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری، که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶).

۶. خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای این‌که نقش‌آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ تقویت کشور متوقف است بر استفاده از همهٔ ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳).

در حاشیه نماند، عقب نماند».^۱ این نظم جدید، یک بنیاد نرم‌افزاری دارد که این نظم را تغذیه، معنادار و جهت‌مند می‌کند. جمهوری اسلامی، بنا به مأموریت تاریخی انقلاب اسلامی و بنا به رسالت ذاتی اسلام، مؤظف است که برای طراحی این نظم، چه در سطح نرم‌افزاری و چه در سطح سخت‌افزاری، ایده، طرح و برنامه ارائه و عملیاتی کند و برای ایفای نقش تاریخی خود، نقشه آینده‌سازانه خودش را پیش ببرد. از آن جایی که مطالعه آینده، دو وجه کلی کشف آینده (آینده‌نگری) و ساخت آینده (آینده‌نگاری) دارد، اگر در ساخت جهانی، طرحی برای ساخت آینده نداشته باشیم، قطعاً آینده، طبق میل و اراده دیگران ساخته خواهد شد، نه طبق اراده ما. انقلاب اسلامی، باید نقش فعالی در شکل‌دهی به این نظم جدید جهانی ایفا نموده و برای تأمین زیرساخت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آن، وارد میدان شود تا با جهت‌دهی این تحول به سمت نظم بین‌المللی مورد نظر، به عنوان پیشگام حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی خورشید ولایت انجام شود. در این پژوهش سعی شده است تا با نگاه به هندسه جهان در عصر مهدوی، عناصر بنیادین و ارکان محوری نرم‌افزاری آن هندسه، برای زمینه‌سازی طراحی‌های محور مقاومت و جبهه اسلام در آن افق، استخراج و ارائه شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱. نظم جهانی

نظم جهانی یا نظم بین‌المللی، یک مفهوم مدرن است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. نظم بین‌المللی را «الگوهای رابطه و عمل» برآمده از قواعد، نهادها، قوانین و هنجارها و نحوه حفظ آن توسط همین نهادها و قواعد نیز تعریف کرده‌اند که هم مؤلفه‌های مادی (فیزیکی) و هم اجتماعی دارند (Barnett)، (2021). جورج لوسون نظم بین‌المللی را «روش‌های منظم مبادله میان واحدهای سیاسی منفک که یکدیگر را مستقل می‌شناسند» دانسته است (Lawson)، (2020). از نظر جان میرشایمر نظم بین‌المللی، گروهی سازمان‌یافته از نهادهای بین‌المللی (به عنوان بلوک‌های سازنده نظم)^۲ است که به حکمرانی تعاملات بین دولت‌های عضو کمک می‌کنند (Mearsheimer)، (2019). یکی از موارد مهم در شناخت نظم جهانی، شناخت تاریخچه آن است. متفکران مختلف، نگاه‌های مختلفی به آن داشته‌اند اما به صورت کلی، دوره‌های مختلف این نظم بین‌المللی در دوره مدرن، در جدول زیر ارائه شده

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶

2. Building Blocks of Order

است.

جدول ۱- دوره‌های تاریخی نظم جهانی (شمس‌الدینی و عرب بافرانی، ۱۴۰۲)

#	نوع نظم	سال	مختصات
۱	نظم پلورال (متکثر)	۱۶۴۸ تا ۱۸۱۵	در سال ۱۶۴۸ میلادی، به دنبال دوره طولانی از جنگ و مخصوصاً جنگ‌های سی ساله مذهبی کاتولیک پروتستان (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸)، با ظهور مفهوم جدید ملت و دولت ملت، پیمان چندجانبه صلح وستفاليا در اروپا، میان کشورهای اروپایی، منعقد شده و به دنبال از بین رفتن هیمنه کلیسا، سیستم توازن قدرت شکل گرفت. جهان این دوره در اروپا، جهان‌هابی است که بازیگری در سطح بالاتر از دولت‌ها، وجود ندارد و سطح بین‌الملل، سطح کشمکش طبیعی میان دولت‌هاست. در نیمه دوم این دوره، بریتانیا، قدرت غالب دریایی شده و به عنوان عنصر متوازن‌کننده قدرت، نقش‌آفرینی می‌کند اما نظم کلی، یک نظم پلورال است.
۲	کنسرت اروپا	۱۸۱۵ تا ۱۹۴۵	اواخر قرن ۱۸ میلادی، فرانسه و پروس در اروپا قدرت می‌گیرند. با رخداد انقلاب فرانسه در فاصله ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹، فرایند تغییر نظم، کلید می‌خورد. امپراتوری مقدس روم، به طور کلی محو می‌شود و مشروطه اروپایی، همه‌گیر می‌شود. حرکت‌های ناسیونالیستی، پهنه اروپا را فرا می‌گیرد. ناپلئون بناپارت، در اروپا به قدرت می‌رسد و جنگ‌های ناپلئونی را برای تصرف اروپا، به راه می‌اندازد. شکست ناپلئون، قدرت‌های اروپایی فاتح، یعنی روسیه، اتریش، پروس و بریتانیا را به سمت یک پیمان جمعی در کنگره وین در سال ۱۸۱۵ پیش می‌برد. محصول کنگره وین، نظم جدید کنسرت اروپاست که هدف آن، حفظ تمامیت ارضی کشورها و پایداری توازن قدرت در اروپا بود و این اجازه را به قدرت‌های بزرگ می‌داد تا با اعمال قدرت و نظر جمعی خود، در امور داخلی سایر کشورها مداخله کرده و نیز با واکنش به اقدامات جاه‌طلبانه قدرت‌های دیگر، اهداف منظور را عملی سازند.
۳	دوقطبی	۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱	در سال ۱۹۱۴ میلادی، امپراتور اتریش-مجارستان، در سارایوو، به دست یک ملی‌گرای صرب، کشته می‌شود. امپراتوری اتریش-مجارستان، به صربستان حمله کرد. امپراتوری روسیه، به حمایت از صربستان، وارد جنگ می‌شود. امپراتوری آلمان، به حمایت از اتریش-مجارستان، به متحد روسیه یعنی فرانسه، حمله می‌کند. آلمان، برای این حمله، خاک بلژیک را اشغال می‌کند. امپراتوری بریتانیا، متحد بلژیک، به حمایت از بلژیک، به آلمان حمله می‌کند. جنگ گسترده‌تر می‌شود و آمریکا هم وارد این جنگ می‌شود. در نهایت، امپراتوری‌های اتریش-مجارستان، آلمان، عثمانی و روسیه، مضمحل می‌شوند. نتیجه تحقیر مغلوبان و زخم‌های باز، آغاز جنگ جهانی دوم است. انقلاب روسیه، جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹ و جنگ جهانی دوم، از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، اروپا را نابود کرد و زمینه ظهور دو قدرت و قطب غالب را در دو سوی اروپا، فراهم کرد: آمریکا در غرب و شوروی در شرق. نظم دوره

نظم جهانی

سال هجدهم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۳

۱۶۴

جدید، یک نظم دوقطبی و دو بلوک شرق و غرب بود که تقابل این دو قطب، عرصه جنگ سرد را رقم زد. نهاد ملل متحد، نهاد محوری نظم این دوره است.			
با فروریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ میلادی، روند افول شوروی، شدت گرفت و نهایتاً در سال ۱۹۹۱، اتحاد جماهیر شوروی، که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شده بود، با شکست در جنگ سرد، تجزیه شده و فرو ریخت. زوال شوروی، میدان یکه تازی آمریکا را فراهم کرد. دوره پس از ۱۹۹۱، دوره نظم تک قطبی آمریکامحور است که آمریکا با جهان روا کردن دلار، توسعه فرهنگ و ارزش های آمریکایی و حضور نظامی زمینی، دریایی و امنیتی-اطلاعاتی در همه جهان، هژمونی خود را بسط داد. نشانه های زوال این نظم نیز، بیش از یک دهه است که آشکار شده است.	۱۹۹۱ تا کنون	تک قطبی	۴

امروزه کاملاً روشن شده است که نظم بین المللی لیبرال، دچار مشکل و آشفتگی عمیقی شده است و صفحات تکنیکی زیربنای آن، در حال جابجایی هستند و عملاً برای تعمیر و نجات آن نمی توان کاری انجام داد. در واقع، از همان آغاز، تقدیر این نظم، شکست بود زیرا حاوی بذرهایی نابودی و انهدام خود بود و امروز، وحشت سقوط نظم بین المللی لیبرال، نخبگان کشورهای غربی را وحشت زده کرده است (Mearsheimer)، (2019). طرح مفاهیمی مثل نظم جهانی چینی بر پایه ابتکار یک راه، یک کمربند (Bruno Macaes)، (Waldron، 2020؛ 2019)، نظم اوراسیایی (Flockhart & Korosteleva)، (2022) و نظم آسیایی (Kissinger)، (2014)، نشان از ظهور گزینه های جایگزین یا موازی، برای نظم موجود دارد. قدرت آمریکا، افول کرده است (Regilme)، (2019) و رهبری و هژمونی فرهنگی و اقتصادی آمریکا و غرب به صورت واضح، توسط کشورهای نوظهور، دچار چالش شده است و همین چالش و تغییر نظم، پژوهشگران را به سمت روش های مطالعه جدید نظم جهانی، سوق داده است (Buscema)، (Sacco، Ferilli & 2017). ستون های نظم تک قطبی آمریکامحور، متزلزل شده است^۱ و «از همان بیست سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز، روز به روز آمریکا ضعیف تر شده؛ هم در درون خودش و در سیاست های داخلی اش، هم در سیاست های خارجی اش، هم در اقتصادش، هم در امنیتش، در همه چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز ضعیف تر شده، لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. ... یک نظم بین المللی جدید در پیش است برای دنیا»^۲.

۱. امام خامنه ای مدظله، ۱۳۹۳/۶/۱۳

۲. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۱/۲/۶

آینده نظم جهانی و نظم آینده بین‌المللی نیز یکی از میدان‌های پژوهش پژوهشگران بوده است. سورنسن، در سال ۲۰۰۶ میلادی، با طرح پرسش «چه نوعی از نظم جهانی در حال ظهور است؟»، تلاش می‌کند تا سردرگمی امروز تحلیل‌گران را در نسبت با نظم آینده پاسخ دهد و وضع کنونی را یک «دوره فترت»^۱ می‌نامد که نه نظم جدید آشکار شده است و نه نظم سابق، به صورت کامل از میان رفته است و نشانه‌هایی از هر دو، در میان است (Sørensen، 2006). تراین فلوکهارت، با بیان این نکته که تنوع سیستم بین‌المللی، در حال افزایش است، سه روایت معمول از نظم آینده را بیان کرده است:

روایت چندقطبی، روایت چندشریکی و روایت چندفرهنگی؛ و در نهایت، یک روایت چندنظمی نیز به آنها افزوده است که طبق آن، در یک سیستم بین‌المللی واحد، چند نظم مختلف، شکل خواهد گرفت (Flockhart، 2016).

جف کولگن، با عبور از ایده «تغییر نظم به عنوان یک شیئیت واحد از طریق قاعده‌سازی قوی‌ترین کشور پس از پیروزی در یک جنگ مهم»، با طرح مفهوم هژمونی بخشی،^۲ چگونگی عمل‌گری نظم جهانی را در قالب بخش‌ها و اجزاء، نشان داده و تشریح می‌کند که غالباً در زمان صلح، تغییر می‌کند (Colgan، 2021). تنگ، با طرح سه استدلال اولاً نظم بین‌المللی قاعده‌بنیاد هم‌چنان پابرجا خواهد ماند، اما به طور فزاینده‌ای غرب محوری آن کاسته خواهد شد؛ دوم، شکل دادن به نظم بین‌المللی، بیشتر از پائین به بالا و مناقشه‌برانگیز خواهد شد، نه این که بیشتر از بالا به پایین و تحمیل شود؛ و سوم، اکنون که مومنتوم حرکت به سوی نظم جهانی آمریکایی‌سازی شده متوقف شده است و احتمالاً هرگز شتاب از دست رفته خود را به دست نمی‌آورد، نظم‌های منطقه‌ای حیاتی‌تر می‌شوند؛ معتقد است که نظم (یا نظم‌های) بین‌المللی آینده بیشتر منطقه‌ای و منقطع خواهد شد (Tang، 2018). رند، در گزارشی، متشکل از مقالات تعدادی از خبرگان، با تأکید بر این که هیچ توافق کلی روی شکل نظم آینده جهان در سال‌ها و دهه‌های پیش رو وجود ندارد، و یادآوری این نکته که بشریت در لحظه یک انتخاب اضطراری قرار گرفته است: برافتادن^۳ یا برگزشتن^۴، مهم‌ترین اولویت دوره گذر به نظم جدید را «چندجانبه‌گرایی»^۵ «چندوجه‌گرایی»^۶ معرفی کرده و مقالات خبرگان در این محور را پوشش

1. Interregnum
2. Partial Hegemony
3. Breakdown
4. Breakthrough
5. Multilateralism
6. Polyilateralism

می‌دهد (Bhattacharya et al, 2022). شمس الدینی و عرب بافرانی نیز در پژوهشی، با تبیین محیط سناریوهای نظم جدید جهان، لحظه اکنون را لحظه تعدد معرفی کرده و سناریوهای هشت‌گانه پیش روی نظم جهانی را ارائه کرده‌اند (شمس الدینی و عرب بافرانی، ۲۰۲۳).

۲. حکومت جهانی مهدوی

زارعی و سرپرست سادات در پژوهشی با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعه اسنادی با بیان این نکته که تحولات پساکرونایی، به لحاظ تئوریک، ذات ناعادلانه جهانی شدن آمریکایی-اروپایی مبتنی بر مبادی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مدرن و به لحاظ میدانی و عملیاتی، ناکارآمدی حکمرانی ادعایی نظام جهانی و سقوط فردگرایی در ورطه خود محوری را عیان‌تر از پیش ساخته است، به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه که جهانی می‌شود پرسش بیشتر و جدی‌تر از حقیقت هستی و انسان، گرایش انسان‌ها به سبک زندگی منطبق با فطرت انسانی، سنت‌های الهی و آرزو و انتظار منجی الهی موعود است و این‌گونه پرسش‌ها و گرایش‌ها، «دین فطری اسلام» و «مهدویت» را بیش از پیش در کانون توجهات بشری قرار خواهد داد (زارعی و سرپرست سادات، ۲۰۲۰). خنیفر، زروندی و زروندی، با بیان این موضوع که امروزه دنیا شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل در راستای جهانی شدن است و در جهان معاصر، مدعیان و نظریه‌پردازان جهانی شدن رو به فزونی نهاده‌اند، به موضعه و رویکرد تشیع در این موضوع پرداخته و معتقدند که شیعه نیز با ارایه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)» در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی، داعیه دار اصلی جهان شمولی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است چرا که در اسلام، به ویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت جهانی واحد براساس قسط و عدل و تحت رهبری امام معصوم، جایگاهی ویژه دارد که این مسئله در تاریخ اسلام، به نام مهدویت مطرح شده است و از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی جامعه اسلامی است و بقای اسلام و شیعه در گرو این حقیقت بزرگ است لذا آنها تلاش کرده‌اند تا از مباحث مطرح در زمینه جهانی شدن، ضمن ارائه چشم‌اندازی از آن، پلی برای فهم و درک حکومت جهانی مهدوی زده و اشتراکات و امتیازات حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) که در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی بارها و بارها با عناوین مختلف به آن اشاره شده است با جهانی شدن را بررسی کنند (خنیفر، زروندی، زروندی، ۱۳۸۹). عزیزی و سلیمانی در پژوهشی با بیان مجموعه‌ای از آیات و روایات، در پی

تبیین ویژگی‌هایی از ساختار حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رفته و علاوه بر ختم بحران‌های جهانی، ویرانی کاخ‌های گمراهی، آرایش جامعه به فرهنگ عشق حقیقی و عدالت و صداقت، جریان چشمه‌های حکمت و دانش و پایان سلطه جنگ و خونریزی، در موضوع خاص عدالت به این نتیجه رسیده‌اند که محورهای عدالت در عصر ظهور عبارتند از: عدالت در تساوی حقوق، عدالت در انتخاب افراد شایسته و عدالت در اجرای قانون. حضرت، مدیران صالح، عادل و کارآمد را به کار می‌گمارد، تا عدالت اجتماعی در جامعه جامه عمل بپوشد. در حقیقت عدالت اجتماعی، همان عدالتی است که در حکومت واحد جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا می‌شود و برپایی آن، بزرگ‌ترین رسالت جهانی آن امام است. چرا که عدالت مهدوی، استمرار عدالت نبوی و علوی است که تشکیل انقلاب اسلامی زمینه تحقق حکومت جهانی عدالت‌گستر امام را فراهم کرد (سلیمانی و عزیزی، ۱۳۸۸).

روش پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش کیفی است که به دنبال شناسایی ارکان نرم‌افزاری هندسه نظم جهان در عصر مهدویت است. برای این منظور، ابتدا از روش کتابخانه‌ای توصیفی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. سپس نتایج به پندل خبرگانی عرضه شده و علاوه بر تأیید خبرگان، اصلاحات مورد نظر آنها نیز اعمال شده است. این پژوهش، دو گام اصلی دارد مشتمل بر گردآوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات. روش پژوهش در گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای^۱ بوده است که در نسبت با روش میدانی، به معنای مراجعه به منابع و متون دامنه موضوع پژوهش است (رادان، ۱۳۹۷). روش توصیفی یا غیرآزمایشی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. این روش، یک روش پژوهش علمی است که برخلاف روش‌های پژوهش آزمایشگاهی، بدون دخالت پژوهشگر در متغیرها، انجام می‌گیرد. در گام تحلیل اطلاعات، روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده است که محتوای به دست آمده در گردآوری، مورد تحلیل قرار گرفت. اساسا تحلیل عبارت است از دست‌یابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر که در درون واحد بزرگ‌تر سامان یافته‌اند. در تحلیل، تأکید روی کارکرد اجزاء است و در واقع تحلیل در مقام پاسخگویی به يك سؤال است: الگوی ساخت (انتخاب و ترکیب) و نقش اجزاء چیست؟ (پاکتچی، ۱۳۸۹). در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای بیانات رهبران انقلاب اسلامی و برخی از روایات ائمه معصومین،

1. Library research

توصیف و تحلیل بنیادهای نرم‌افزاری هندسه نظم جهان مهدوی انجام شده و شواهدی نظری برای ارکان نرم‌افزاری هندسه نظم جهان در عصر مهدویت، به دست آمده است. سپس این نتایج در پیل خبرگانی، مورد تأیید و اصلاح قرار گرفته است.

مباحث تفصیلی

اروپا، زادگاه مفهوم نظم بین‌المللی است و ضرورت این مفهوم، آن است که اروپا، جنگ خیز بوده است. نظم جهانی موجود که ابتدا پس از جنگ جهانی دوم، به صورت نظام دوقطبی بلوک شرق - بلوک غرب شکل گرفت و با فروپاشی بلوک شرق و انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، به صورت نظام تک‌قطبی به رهبری آمریکا درآمد، مبتنی بر میراث دیپلماتیک کلمنس مترنیک^۱ اتریشی، بر پایه دوگانه «جنگ - صلح» بنا شده است. از آن جایی که «اروپا، اصلاً یک نقطه جنگ خیز است»^۲ و بزرگ‌ترین بلایی که جهان اروپا - آمریکایی، پیش روی بشر ترسیم کرده، جنگ بوده است و نه ظلم، نظم پس از جنگ جهانی دوم نیز بر پایه ترساندن ملت‌ها از جنگ، ساخته شده است. نماد نظم جهانی در این برهه هشتاد ساله، نهادهایی هستند که در ظاهر بر مبنای تأمین صلح و امنیت جهانی شکل گرفته‌اند اما در واقع، وام‌دار منافع ابرقدرت‌ها و به طور خاص آمریکا بوده‌اند و هر جا که منافع آنها، اقتضا کرده است، جنگ به راه انداخته‌اند و هر جا که منافعشان اقتضا کرده است، در بوق صلح دمیده‌اند. از جمله نهادهایی که مظهر این نظم هشتاد ساله هستند، سازمان ملل متحد است که با اتکا بر «محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده» پی‌ریزی شده که در ماده یکم منشور ملل متحد،^۳ از «حفظ امنیت و صلح بین‌المللی از طریق ممانعت و حذف تهدیدات صلح» به عنوان نخستین هدف ملل متحد یاد شده است. نیز طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت وقتی عملاً وارد میدان می‌شود و حتی اقدام به حمله نظامی به کشورها می‌کند که «صلح»، صلح مطلوب منافع آنها، تهدید یا نقض شود و هدف آن هم حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی خوانده شده است؛ و اساساً همه اعضای ملل متحد، به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح و تسهیلات، از جمله حق عبور لازم برای حفظ

1. Klemens Wenzel von Metternich

۲. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۴۰۱/۳/۴

3. <https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>
https://www.unic-ir.org/publication/farsi/manshoor/manshoor_melale_motehed.htm

صلح و امنیت بین‌المللی را بنابه درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقت‌نامه کلی یا موافقت‌های خاص، در اختیار آن شورا قرار دهند؛ در این ساختار، همه چیز حول صلح و امنیت بین‌المللی، آن هم به تعریف و تبیین طرف قدرتمند در ملل متحد و شورای امنیت، می‌چرخد و در واقع، این موضوع، نرم‌افزار اصلی نظم جهانی را شکل داده است.

صلح، اگرچه ارزش انسانی مهمی است اما طبق تجربه تاریخی هشتاد سال گذشته، تکیه زدن بر مقوله صلح، به خصوص آن جا که معیار، منافع ابرقدرت‌ها و در رأس آنها، آمریکای روبه‌افول است، نتیجه‌ای جز ظلم و بیداد در عرصه جهانی ندارد. غربی‌ها یک راهبرد عملیاتی کلی دارند: همواره در مناطق مختلف جهان، وضعیت نامطلوب خودشان را با راه‌انداختن جنگ بر هم می‌زنند و پس از آنی که وضعیت را به نفع خودشان بر هم زدند، با پرچم صلح، و با میدان‌داری نیروهای پاسدار صلح ملل متحد، وارد شده و وضعیت مورد نظر خودشان را تثبیت می‌کنند. در واقع، سازمان ملل متحد، به عنوان نماد نظم جهانی موجود، از نام زیبای صلح بهره می‌برد،^۱ اما در عمل زمینه را برای ظلم ابرقدرت‌ها و مشروع جلوه‌دادن آن، فراهم کرده و با شعار صلح، ملت‌های ستمدیده را وادار به پذیرش ظلم یا همان انضلامی می‌کند که در شرع مقدس اسلام، حرام و مذموم است.^۲ در نهادسازی آمریکایی، دوقطبی «جنگ و صلح»، محور قرار گرفته‌اند و نهادها، بنا به منافع ابرقدرت‌ها، مسئول ناامن نگه داشتن برخی مناطق جهان و امن نگه داشتن برخی نقاط دیگر هستند. هر جا که منافع‌شان ایجاب کند، جنگ به راه می‌اندازند و هر زمان که منافع‌شان ایجاب کند، با حربه صلح، وارد شده و جنگ را به هر نحوی که بخواهند، مدیریت می‌کنند.

نهادهای بین‌المللی نماد تحقق نظم جهانی به شمار می‌روند و شکل‌گیری هر نظامی در عرصه بین‌الملل بدون نهادسازی امکان‌پذیر نیست. در ادبیات دانش مدیریت، معروف است که ساختارها، رفتار ساز هستند؛ از همین رو، نهادها در ظاهر وظایفی دارند و متولی انجام آن وظایفند اما در باطن، بنیاد معرفتی و ارزشی خود را بازتولید می‌کنند. نهادها، صورت ظاهر مبانی ارزشی یک نظم هستند. نهادهای بین‌المللی، خود مبتنی بر مبانی نظری و معرفتی

۱. «سازمان ملل و قبل از سازمان ملل، جامعه ملل هم، که بعد از جنگ برای به اصطلاح مسائل صلح تشکیل شده بود، امروز ترفند صهیونیست‌ها و پشتیبانان‌شان، که دولت آمریکا مهم‌ترین پشتیبان آنهاست، این است که از نام زیبای صلح استفاده می‌کنند» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰).

۲. «این که کسی به دیگری ظلم کند و بعد مظلوم را وادار کنند که ظلم او را بپذیرد، بدون این که از طرف ظالم اندک انعطافی به وجود آید و از ظلم خود کم کند، این صلح است یا ننگ است؟! این تسلیم به ظلم است. این همان انضلامی است که در شرع مقدس اسلام، حرام و مذموم است (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۲/۶/۲۵).

بنیان‌گذاران نظم جهانی بوده، آن مبانی نرم‌افزاری را بازتولید کرده و از آن پیروی می‌کنند. چنان‌که گفته شد، نظم بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم بر مبنای صلح جهانی و در سایه منافع ابرقدرت‌ها شکل گرفت و موجب به حاشیه رفتن مبارزه با ظلم و ستم در غالب نقاط جهان گردید. از این رو، و در برهه گذار به نظم جدید بین‌الملل می‌بایست در آنچه مبنای شکل‌گیری این نظم است بازنگری اساسی صورت گیرد.

طبق منظومه فکری رهبر انقلاب، صلح همواره باید با عدل همراه باشد. از منظر ایشان، اگرچه صلح یکی از نیازهای بشر است، اما صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است؛^۱ چراکه صلح نه یک ارزش مطلق، بلکه ارزشی نسبی است؛ برخلاف عدالت که یک ارزش مطلق است و عدالت بد وجود ندارد.^۲ فرموده‌اند:

در دوران جنگ من به خاطر دارم در مذاکراتی که در مجامع جهانی یا مهمان‌های خارجی که می‌آمدند، در هر ملاقاتی که با آنها داشتیم، به ما می‌گفتند صلح چیز خوبی است، شما چرا صلح را قبول نمی‌کنید؟ صلح بهتر است یا جنگ؟ مثل یک بچه‌ای که سنگی را در چاه بیندازد و کسی نتواند آن را بیرون بیاورد. ما می‌خواستیم برای اینها تشریح کنیم که صلح همیشه خوب نیست، همه این گروه‌های مبارز در دنیا که علیه حکومت‌های شان قیام کردند، جنگ راه انداختند. آنها قبل از این جنگ، صلح داشتند و نشسته بودند و زندگی می‌کردند؛ صلح، آن وقتی خوب است که در جهت عدالت باشد. بعد بنده هم به مرور فرمولی پیدا کردم که آنها وقتی می‌گفتند صلح، من می‌گفتم عدل و آنها می‌ماندند. در محاورات بایستی فرمول پیدا کرد تا بتوانی در مقابل فرمول‌هایی که ارائه می‌کنند مقابله کنی، و لذا ما می‌گفتیم عدل بهتر است یا صلح؟ خیلی از صلح‌ها را به خاطر عدل از بین می‌برند. اما با عدل هیچ چیزی مقابله نمی‌کند.^۳

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که صلح اگرچه ارزشی عالی است اما لزوماً

۱. «امروز دنیا مثل همیشه به آرامش و صلح و امنیت احتیاج دارد. یکی از نیازهای اساسی بشر، صلح است. البته ما همواره گفته‌ایم که صلح باید با عدالت همراه باشد. برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیرعادلانه، از جنگ هم بدتر است» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۸۰/۷/۲۳).

۲. «صلح یک ارزش مطلق نیست، یک ارزش نسبی است؛ یک جایی صلح خوب است، یک جایی صلح بد است، جنگ خوب است. اما عدالت این جور نیست؛ عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد» (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

۳. امام خامنه‌ای مدظله، جلسه تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۸/۸.

عدالت و قسط را تولید نمی‌کند^۱ اما عدل، حتما در نهایت مولد صلح است.

گذار معرفتی لازم برای رسیدن به نظم عدل بنیاد و نهادسازی جهانی مبتنی بر آن، گذار از ایده «جنگ به عنوان بزرگ‌ترین بلای پیش روی بشر» به ایده «ظلم و جور به عنوان بزرگ‌ترین بلای پیش روی بشر» است. یکی از مبانی جدی اعتقادی تشیع، اعتقاد به امامی است که در توصیف او فرموده‌اند:

مهدی هذه الأمة الذی یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً (هلالی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۵۶۷).

از این رو، یکی از بسترهای زمین مملو و سرشار از قسط و عدل، نهادسازی عدل بنیاد و قسط بنیاد در جهت مبارزه با جهان سرشار از ظلم و جور است که زمینه بنیادین در جهت حرکت در افق ظهور است. بنابراین، تلاش برای شکل‌گیری نظم جدید جهانی بر مبنای عدل و داد و نهادسازی جهانی برای این نظم جدید مبتنی بر عدالت، از اجزای بنیادین گام دوم انقلاب و زمینه‌سازی برای «طلوع خورشید ولایت عظمی» است. نظر به این مبانی معرفتی، چارچوب نظری عدل بنیادی (قسط) در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی در نسبت با صلح بنیادی، به صورت زیر خواهد بود.

۱. «در یک کوچه‌ای که یک کسی دارد عبور می‌کند، فرضاً دو نفر دارند دعوا می‌کنند؛ بعد آن عابر می‌گوید: «آقا آشتی کنید». آن وقت با زحمت زیاد می‌آید به زور و با افراد، آن دو نفر را از هم جدا می‌کند، در حالی که ملتفت نیست این دعوا بر سر چیست؟ او نمی‌داند این آدم آمده است، در خانه‌ی او وارد شده، پول‌هایش را برده، شیشه‌های خانه‌اش را شکسته، بچه‌هایش را کتک زده، حالا می‌گوید این جا مال من است، می‌خواهم بنشینم. اینکه تو آمدی بین این دو نفر را صلح دادی یعنی چه؟ یعنی بیایند خانه‌ای را که آن ظالم، به زور تصرف کرده، بین خودشان تقسیم کنند! آیا واقعا این عدالت است که فرضاً نیمی از خانه‌ی این شخص را آن ظالم بیاورد و بگیرد؟ و آیا این عدالت است که تو در حین عبور، بی‌خبر آمدی یک چیزی گفتی و خواستی بین آن دو نفر را صلح بدهی؟» (امام خامنه‌ای مدظله، جلسه تفسیر سورة بقره، ۱۳۷۰/۸/۸).



شکل ۱- چارچوب نظری عدل بنیادی (قسط) در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی

رکن نرم‌افزاری دیگر هندسه نظم جهانی در عصر مهدوی، تدبیر حل اختلافات، منازعات و معارضات است. در دستگاه معرفتی قرآن کریم، آن موضوعی که تمهید این نقطه کلیدی و بحرانی را متعهد شده است، مفهوم «حکمت» است. حکمت، مهارت و دانش حل و رفع اختلافات است. حاکم کسی است که اختلافات اجتماعی را بر می‌دارد و حکیم کسی است که حکمت از او می‌جوشد. جهان امروز، یک جهان آمریکایی است. در جهان آمریکایی، اختلافات با «هژمونی» از میان برداشته می‌شود. همواره باید یک هیمنه مقتدر مسیطر غالب وجود داشته باشد تا باقی به هوای ترس از او، با هم کنار بیایند. جهان چینی اما به جای هژمونی، «هارمونی» را پیش کشیده است. هارمونی، به دنبال آن است که یک حالت تعادل و توازن میان نیروها را از پایین و از میان خود نیروها شکل بدهد تا اختلافات حل و فصل شود (Fowdy, 2007; Guppy, 2023; Gries, 2023). اما ایده ایرانی-اسلامی، همانا حکمت است. «حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید... دعوا کردن و اوقات تلخی کردن و حرف تند زدن، یک وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است»^۱. رهبر انقلاب (مدظله) از

۱. امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۹۰/۱۰/۷

همان آغاز زعامت، حکمت را به عنوان یکی از اضلاع مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران طرح کرده‌اند.^۱ حکمت، جان جهان ایرانی است. حکمت، توان احکام و حکم کردن است. وقتی دو چیز که مختلفند یعنی خلاف همدند، در دامن حکمت قرار بگیرند، اختلاف آنها برداشته شده و یکی می‌شوند. حکمت يك حالت و خصیصه درك و تشخیص است که شخص، به وسیله آن، می‌تواند حق و واقعیت را درك کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد. حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی بلکه شیء محکم خارجی، از نتایج آن است... مراد از حکمت همان محکم کاری و تشخیص است (قرشی، ۱۳۵۴ش: ج ۲، ۱۶۳). پس حکمت، راه رفتن از معرفت به حقیقت است؛ حکمت، راه رفتن از تعدد به وحدت است. حکمت است که جان و جهان را لبالب از صلح و سلام می‌کند. حکمت، دانش و علم یکپارچه، یک دست، بی‌شبهه، بدون اختلاف و بدون نقص و خلل و فرج است که حکیم از خدا می‌گیرد و با استفاده از آن، حکم کرده و اختلافات را محو می‌کند. شیء محکم، شیء واحد است؛ یعنی اختلافات آن به کلی، رفع شده است. در مناظره علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با سلیمان، از بیان حضرت ایشان فهم می‌شود که چیزی که بعضی یا جزئی از آن، مخالف بعضی دیگر یا جزئی دیگر از آن نباشد، شیء واحد است^۲ (مجلسی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۳۲۳). حاکم و حکومت از این حیث که فرق‌ها و اختلافات را از میان بر می‌دارند، اینگونه نامیده شده‌اند. حکم در قضاوت، از آن روی که رافع اختلاف و تعارض است، حکم خوانده شده است. قضاء در اصل، به معنی «فیصله دادن به امر» است، قولی باشد یا فعلی از خدا باشد یا از بشر. طبرسی ذیل آیه ۱۱۷ بقره فرموده:

قضا و حکم، نظیر همدند و اصل آن به معنی فیصله دادن و محکم کردن شیء است (قرشی، ۱۳۵۴ش: ج ۶، ۱۷).

تکلیف اکنون و این جای جوامع (مابینکم) را حکم، تعیین می‌کند (شمس‌الدینی و فولادی قلعه، ۱۴۰۰) و حکم یعنی حرف نهایی بی‌چون و چرا که بدان «فصل الخطاب» گفته شده است.^۳ در روایت علوی، در خطبه ۱۸۲ نهج‌البلاغه، در بیان وضع حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در

۱. سیاست خارجی ما باید متکی باشد به سه اصل عزت و حکمت و رعایت تقیه؛ در آن مواردی که باید تقیه کرد (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۶۸/۱۱/۹). عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست (امام خامنه‌ای مدظله، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

۲. لم یخالف بعضها بعضا، و كان شینا واحدا.

۳. «و شد دنا ملکه و آتیناه الحکمة و فصل الخطاب» و ملکش (حضرت داوود علیه السلام) را استوار کردیم و او را حکمت و کلام

دوران غیبت و اغتراب اسلام، چنین آمده است که:

زره‌اش را برای حکمت پوشیده است؛ و با همه ادبش، از اقبال به‌سوی آن و معرفت به آن و تفرغ از همه چیز برای آن، آن را گرفته است؛ حکمت در نزد او، آن گمشده‌ای است که همواره در طلب آن است، و آن نیازی است که از آن می‌پرسد (مجلسی، ۱۳۹۲ق: ۳۹۸).

حکمت، گمشده مؤمن نیز خوانده شده است (مجلسی، ۱۳۹۲ق: حکمت ۸۰، ۷۷۶) و بدون آن، رفع اختلاف و تعارض و تنازع، به معنای واقعی، انجام نخواهد شد. پیداست که کلیدی‌ترین جایگاه برای اعمال و اجرای حکمت، ملک و حکومت است. نظر به این مبانی معرفتی، مبنای نظری حکمت بنیادی در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی به صورت زیر خواهد بود.

حکمت، دانش، قوه و فناوری حل اختلاف، منازعه و تعارض است.

حکیم، کسی است که با مهارت و دانش حکمت، موضوعات و مسائل ظاهراً مختلف و متعارض را در یک شیء واحد، جمع می‌کند.



امروز، با دانش و فناوری حکمت (چنانی که حاج قاسم توانست)، می‌توان اختلافات و تعارضات میان اقوام، ملت‌ها، مذاهب، دین‌ها و منافع را حل کرده و آنها را متحد کرد.

شکل ۲- مبنای نظری حکمت بنیادی در نرم‌افزار هندسه نظم مهدوی

فیصله دهنده عطا کردیم (ص: ۲۰).

۱. قد لبس للحكمة جنتها وأخذها بجميع أدبها من الإقبال عليها والمعرفة بها والتفرغ لها، فهي عند نفسه ضالته التي يطلبها وحاجته التي يسأل عنها، فهو مغترب إذا اغترب الإسلام وضرب بعسيب ذنبه وألصق الأرض بجرانه، بقية من بقايا حجة خليفة من خلأف أنبيائه.

نتیجه‌گیری

نظم جهانی در عصر مهدویت، بر بنیاد قسط و عدل، شکل خواهد گرفت. «ما، خود، چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع، و ظلم را ملاک حمله، گرفته‌ایم: از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم، حال شما اسمش را هرچه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت. امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراها را بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه‌داران و قدرت‌مندان که هر موقعی که خواستند هرکسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸ ش: ج ۱۱، ۱۶۰). بنای ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمان‌ها و شوراها بر پایه عدل و قسط و نقش‌آفرینی مؤثر در ایجاد نظم جدید بین‌الملل عدل‌بنیاد و نهادسازی مبتنی بر آن، مستلزم حضور مقتدرانه در میدان، و تلاش اولاً نرم‌افزاری و سپس سخت‌افزاری، برای آغاز حرکت به سمت آن و قیام عمومی بشریت به سمت قسط جهانی است. برای رسیدن به این منظور، ضروری است که یک وفاق جمعی و اراده کلی در سطوح مختلف جمهوری اسلامی، متمرکز بر این موضوع شکل بگیرد.

پیشنهاد می‌شود که طرح عملیاتی اولیه نظم قسط‌بنیاد و نهادسازی جهانی مبتنی بر آن جهت ارائه به مقامات عالی کشور، تنظیم و تدوین شود. مبتنی بر آن، طراحی چارچوب دیپلماتیک برای گذار از «صلح و امنیت جهانی» به «قسط و عدالت جهانی»، به عنوان کرسی تحقق واقعی صلح و امنیت در جهان، صورت گرفته و زیرساخت‌های نظری و معرفتی برای تغییر ریل بشریت در سطح نظم جهانی از محوریت شورای امنیت به شورای عدالت، تمهید شود. همچنین نهادهای دیپلماسی غیررسمی همچون مجمع تقریب مذاهب، سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه المصطفی و... جهت کنش‌گری در طرح عدل نظم‌بنیاد، همراه و فعال شوند. شایسته و بایسته است که در جهت پرچم‌داری ایران در حرکت جهانی عدالت، دستگاه رسمی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی، محور تشکیل پیمان‌ها و نهادهای عدل‌محور و قسط‌بنیاد شده و در همه منازعات منطقه‌ای و جهانی، مفهوم‌سازی و گفتمان‌سازی معطوف به عدل را طرح و دنبال کند و در هر جنگ یا نزاعی که وجود دارد، علاوه بر تلاش برای صلح، باقی اطراف را در جهت تلاش برای عدل، تحریک و رایزنی کند. نقطه شروع این موضوع، می‌تواند جنگ اخیر غزه باشد. علاوه بر این، چارچوب بنیادین حل اختلافات و تعارضات مبتنی بر عقل توحیدی و حکمت الهی، که منتج به تعمیق و توسعه مفهوم و عملی حکمت خواهد شد، نیز طراحی و تبیین شود.



بنابراین هندسه نظم جهانی مهدوی، دو ویژگی نرم افزاری بنیادین دارد که در سخت افزار آن، یعنی در حکومت جهانی مهدوی، به ظهور خواهند رسید. این دو ویژگی، قسط و حکمت هستند. عدل بنیادی و حکمت بنیادی، ضامن حیات و بقای ملک مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود. هندسه مبتنی بر نظم عدل بنیاد، همانا قسط است و هندسه مبتنی بر نظم حکمت بنیاد، عقل منور. پاسداری از انقلاب اسلامی، وارد مرحله جدیدی شده است و آن، همانا پاسداری از قسط و عدل جهانی است. حرکت به سمت «سپاه عدالت»^۱، صرفاً محدود به ایران نیست و برای آغاز، در جغرافیای جبهه مقاومت و سپس در گستره های جغرافیایی بزرگ تر، نهادسازی بین المللی مبتنی بر عدل و قسط، جهانیان را آماده طلوع خورشید ولایت خواهد کرد. از آنجایی که کنش گری در مقیاس نظم جهانی و در فرای مرزها، الزاماتی در درون کشور دارد، پیشنهاد می شود که نقایص حکمرانی در داخل، شناسایی و اصلاح شده و از آنجایی که «رسیدن به هدف های اسلامی - حالا اسمش را بگذارید «نظام اسلامی»، در نهایت «تمدن اسلامی» - جز با حضور مردم، جز با توجه و مبادرت مردم، امکان پذیر نیست؛ باید مردم بخواهند، مردم بیایند، مردم اقدام کنند»^۲، زمینه توسعه پذیرش تنوع فرهنگی مردم در داخل و اتحاد مذهبی در خارج (به طور خاص، اتحاد شیعه و سنی)، به طور واقعی و جدی، در دستور کار قرار بگیرند چرا که «تمدن اسلامی با نگاه به ظرفیت های امروز و حقایق و واقعیات امروز، جز با اتحاد شیعه و سنی امکان پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمی تواند انجام بدهد؛ برای این بایستی همه با هم همکاری کنند»^۳.

منابع

۱. پاکتچی، ا (۱۳۸۹ش)، *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲. خنیفر، ح؛ زروندی، ج؛ زروندی، ن (۱۳۸۹ش)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۶.
۳. رادان، ف (۱۳۹۷ش)، *مبانی پژوهش و روش تحقیق کتابخانه ای* Retrieved from

۱. خلاف آنچه بسیاری می پندارند، آخرین مقاتله ما، به مثابه ی سپاه عدالت، نه با دموکراسی غرب، که با اسلام آمریکایی است، که اسلام آمریکایی، از خود آمریکا، دیرپا تر است (شهید سید مرتضی آوینی).

۲. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

۳. امام خامنه ای مدظله، ۱۴۰۰/۸/۲

- <https://db.ketab.ir/bookview.aspx?bookid=2235458>
۴. زارعی، م؛ سرپرست سادات، س. ا (۲۰۲۰)، «فطرت» و «مهدویت» در نظم نوین پساکرونا بی
 دهکده جهانی، فصل نامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۹ Retrieved from
https://www.spba.ir/article_125694.html
۵. سلیمانی، ا؛ عزیزی، ب (۱۳۸۸ش)، «مهدویت و حکومت جهانی در قرآن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۱.
۶. شمس الدینی، م؛ عرب بافرانی، م (۱۴۰۲)، «نطفه بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسه آینده جهان»، *فصل نامه آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، شماره ۴.
۷. شمس الدینی، م؛ عرب بافرانی، م (۲۰۲۳)، «نطفه بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسه آینده جهان»، *آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، شماره ۴: Retrieved from
https://fsir.ihu.ac.ir/article_208150.html
۸. شمس الدینی، م؛ فولادی قلعه، ک (۱۴۰۰)، *سواد آینده؛ مهارت لازم برای زندگی در قرن ۱۵ خورشیدی*، بی جا: بی نا.
۹. علامه مجلسی (۱۳۷۹ش)، *احتجاجات (ترجمه جلد ۹ بحار الانوار)*. تهران: اسلامیه.
۱۰. قرشی، س (۱۳۵۴)، *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. مجلسی، م (۱۳۹۲ق)، *نهج البلاغه*، قم: دفتر نشر معارف.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۵۸ش)، *صحیفه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۳. هلالی، س. ب. ق (۱۴۱۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، بی جا: بی نا.
۱۴. وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir>
15. Barnett, M. (2021). International Progress, International Order, and the Liberal International Order. *The Chinese Journal of International Politics*, 14(1), 1–22. <https://doi.org/10.1093/cjip/poaa019>
16. Bhattacharya, A., Coulibaly, B., S., Derviş, K., Kharas, H., McArthur, J. W., Narlikar, A., ... Tocci, N. (2022). *ESSAYS ON A 21ST CENTURY MULTILATERALISM THAT WORKS FOR ALL*. Brookings Institution.
17. Bruno Macaes. (2020). *Belt and Road: A Chinese World Order*. LONDON: HURST & COMPANY.

18. Buscema ,M. ,Ferilli ,G. ,& Sacco ,P. L. (2017). What kind of ‘world order’? An artificial neural networks approach to intensive data mining. *Technological Forecasting and Social Change* ,117 ,46–56. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.01.010>
19. Colgan ,J. D. (2021). *Partial Hegemony: Oil Politics and International Order*. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=g3UEAAQBAJ>
20. Flockhart ,T. (2016). The coming multi-order world. *Contemporary Security Policy* ,37(1) ,3–30. <https://doi.org/10.1080/13523260.2016.1150053>
21. Flockhart ,T. ,& Korosteleva ,E. A. (2022). War in Ukraine: Putin and the multi-order world. *Contemporary Security Policy* ,43(3) ,466–481. <https://doi.org/10.1080/13523260.2022.2091591>
22. Fowdy ,T. (2023). Hegemony vs Harmony - Contrasting US and China’s approaches to the Middle East. Retrieved February 1 ,2024 ,from Al Mayadeen English website: <https://english.almayadeen.net/articles/opinion/hegemony-vs-harmony---contrasting-us-and-chinas-approaches-t>
23. Gries ,P. H. (2007). Harmony ,Hegemony ,& U.S.-China Relations. *World Literature Today* ,81(4) ,44–47.
24. Guppy ,B. D. (2023). China seeks harmony not hegemony. Retrieved from Pearls and Irritations website: <https://johnmenadue.com/china-seeks-harmony-not-hegemony/>
25. Kissinger ,H. (2014). *World order: Reflections on the character of nations and the course of history*. <https://doi.org/10.4324/9781912282227>
26. Lawson ,G. (2020). The rise of modern international order. In *The Globalization of World Politics: AN INTRODUCTION TO INTERNATIONAL RELATIONS* (EIGHTH ,pp. 39–53). <https://doi.org/10.1093/hepl/9780198825548.003.0010>
27. Mearsheimer ,J. J. (2019). Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal

- International Order. *International Security* ,43(4) ,7–50.
https://doi.org/10.1162/isec_a_00342
28. Regilme ,S. S. F. (2019). The decline of American power and Donald Trump: Reflections on human rights ,neoliberalism ,and the world order. *Geoforum* ,102(October 2018) ,157–166.
<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2019.04.010>
29. Sørensen ,G. (2006). What Kind of World Order?: The International System in the New Millennium. *Cooperation and Conflict* ,41(4) ,343–363.
<https://doi.org/10.1177/0010836706069601>
30. Tang ,S. (2018). The future of international order(s). *Washington Quarterly* ,41(4) ,117–131. <https://doi.org/10.1080/0163660X.2018.1557499>
31. Waldron ,A. (2019). Reflections on China’s Need for a ‘Chinese World Order.’ *Orbis* ,63(1) ,3–10.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.orbis.2018.12.006>

